

قهاب

نام استان: اصفهان

وجه تسمیه:

- ۱- بعلت تأمین آب منطقه توسط کاریز به آن قه + آب و یا قه‌باب می‌گویند.
- ۲- اهالی این منطقه بعلت خوردن آب کاریز به آن قه + آب و سپس قه‌باب گفته‌اند.

قهرود

نام استان: اصفهان

فاصله تانزدیکترین نقطه: کاشان ۳۵ کیلومتر

وجه تسمیه:

- ۱- بعلت قراگرفتن در سلسله جبال کوه رود اعراب آنرا معرب کرده و قهرود خوانده‌اند.

قصبه

نام استان: خوزستان

فاصله تانزدیکترین نقطه: آبادان ۴۲ کیلومتر

وجه تسمیه:

- ۱- بعلت اسکان عشیره نصار از ایل کعب شادگان به نام قصبه نصار معروف و بر اثر کثرت استعمال تعریف شده و به قصبه معروف گردید.

قشم

نام استان:

هرمزگان

وسعت:

۱۶۲۸ کیلومتر مربع

طول جغرافیایی:

۵۶ درجه و ۱۶ دقیقه

عرض جغرافیایی:

۲۶ درجه و ۵۷ دقیقه

ارتفاع از سطح دریا: ۱۰ متر

فاصله تانزدیکترین نقطه: بندر عباس ۲۲ کیلومتر

وجه تسمیه:

- ۱- نام اصلی آن جزیره کشم بوده است که معنی لغوی آن جزیره دراز یا طویل می‌باشد.

کارون

وجه تسمیه:

۱- کلمه کارون تغییر یافته کورنگ است که به گویش بختیاری به معنی کبودرنگ است.

کازرون

نام استان: فارس
 طول جغرافیایی: ۵۱ درجه و ۴۰ دقیقه
 عرض جغرافیایی: ۲۹ درجه و ۳۶ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریا: ۸۶۰ متر
 وسعت: ۴۵۴۸ کیلومتر مربع
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: شیراز ۱۵۱ کیلومتر
 وجه تسمیه:

- ۱- می گویند در واقع کوه رزان بوده است که در اثر تحریف کازرون گشته است علت نامگذاری کوه رزان را به علت وفور زر در کوههای اطراف آن می دانند.
- ۲- سه روستا نزدیک بهم نورد - راهبان و دریس است که از بهم پیوستن این سه روستا شهرستان کازرون تشکیل گردیده است.
- ۳- کازرون تغییر یافته نام گازران است مردم این منطقه بعلت اینکه جهت تهیه کتان عموماً پارچه ها را می شسته اند لذا به این نام لقب داده بودند که به مرور گازران تبدیل به گازرون و سپس کازرون گشته است.
- ۴- از نام مکانی در نزدیکی کازرون امروز به نام گازرگاه گرفته شده است که محل گازرکنندگان بوده اند.
- ۵- به آن منطقه کوه رز گفته شده است و رز به معنی انگور و درخت انگور است و لذا به معنی منطقه پوشیده از درخت است.

کاشان

نام استان: اصفهان وسعت: ۹۶۴۷ کیلومتر مربع
 طول جغرافیایی: ۵۱ درجه و ۲۷ دقیقه عرض جغرافیایی: ۳۳ درجه و ۵۹ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریا: ۹۵۰ متر فاصله تانزدیکترین نقطه: اصفهان ۲۰۷ کیلومتر
 وجه تسمیه:

۱- کاشان مخفف کی‌آشیان است و علت را وجود چشمهٔ فین می‌دانند که بدستور پادشاهان احداث شده و اطراف آن مسکون گشته است لذا به آن جایگاه و خانهٔ پادشاهان گفته‌اند.

۲- کاشان از کلمهٔ کاشانه گرفته شده است این کلمه به معنی بتخانه و یا معبد و جایگاه جشن و دل‌آزایی است.

۳- کاشان به معنی بت‌خانه است و به معنی نوعی از مسکن است که اسم خاص شهری گردیده است.

۴- بنای شهر را به زبیده خاتون و هارون الرشید خلیفهٔ عباسی نسبت می‌دهند و می‌گویند بدستور وی جهت تعیین نقشهٔ حصار و دیوار شهر جای دیوار را کاه افشانی کردند لذا به آن کاه افشان و به تدریج کاشان گفتند.

۵- کاشان از کلمهٔ کاشو که خدای بزرگ بابلیان بوده است گرفته‌اند و می‌گویند مردم پیرو این خدا بودند لذا به آن کاشو و یا کاشوان و بالاخره کاشان گفته‌اند.

۶- کاشان را از کلمهٔ کاسو یا کاشو گرفته‌اند کاسو قوم و طایفه‌ای است که ساکن این منطقه بود. لذا نام خود را به این منطقه داده‌اند.

۷- قاسان از پسران خراسان و از پادشاهان باستانی است که بانی این شهر می‌باشد لذا منسوب به وی آنرا قاسان و سپس کاسان و کاشان گفته‌اند.

۸- محل ایجاد کاشی و سرامیک و یا خشت پخته لعابدار را در این منطقه می‌دانند لذا به همان نام کاشی اینجا را کاشان گفته‌اند.

۹- منزلی که در تابستان از چوب و نی ساخته‌اند کاشان گفته می‌شود. بعلت هوای گرم و ایجاد اینگونه منازل در تابستان به این ناحیه کاشان گفته‌اند.

۱۰- کاشان از کلمه‌ای سامی به معنی شیشه و چینه «کاشی» گرفته شده است.

۱۱- قاسان نام رودخانه‌ای است که به آن کاسه گفته می‌شد که مرور زمان به کاشان تغییر نام داده است.

کاشمر

نام استان:	خراسان	نام قدیم:	ترشیز
طول جغرافیایی:	۵۸ درجه و ۲۷ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۵ درجه و ۱۱ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۰۵۲ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	مشهد ۲۴۱ کیلومتر
وسعت:	۱۳۲۸۵ کیلومتر مربع		
وجه تسمیه:			

- ۱- در اصل تراز شش بود. یعنی آبی که بسمت ترشیز آمده در مقسمی بر شش بخش تقسیم می شده از اینرو شش تراز و بعد تراز شش گفته اند سپس مخفف گشته و بشکل ترشیز در آمده است.
- ۲- ترشیز از نام شش تراز گرفته شده است که نام بزرگترین رودخانه منطقه است.
- ۳- نام این شهر از روستایی در ۴۲ کیلومتری کاشمر امروز گرفته شده است زیرا نام آن کشمر بوده است که بعدها به کاشمر تبدیل شده است.
- ۴- در این محل پارچه های کشمیری بافته می شده است لذا به آن کشمر گفته و سپس نام محل بر شهر ترشیز گذاشته شده و لذا به آن کشمر و کاشمر گفته اند.

کاغذکنان

نام استان:	فارس	نام قدیم:	خونج
وجه تسمیه:			

- ۱- به علت اینکه در آنجا کاغذ خوب درست می کردند به این نام معروف شده است.
- ۲- خونج به معنی خانه و محل زندگی است.

کامرانیه

نام استان:	تهران	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	امروز منطقه ای از شهر تهران است
وجه تسمیه:			

- ۱- به علت قرار داشتن عمارت ییلاقی کامران میرزا در آن محل به این نام معروف شده است.

کبودر آهنگ

نام استان:	همدان	ارتفاع از سطح دریا:	۱۶۷۵ متر
طول جغرافیایی:	۴۸ درجه و ۴۳ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۵ درجه و ۱۲ دقیقه
فاصله تا نزدیکترین نقطه: همدان ۶۲ کیلومتر			
وجه تسمیه:			

- ۱- علت وجود نهرهای متعدد آب و برکه‌های وجود داشته و کبوتران که از هر طرف به این سو و آن سو روان بوده اند لذا کبوتر آهنگ گفته شده است.
- ۲- در زبان ترکی رایج به این محل کورنگ به معنی نهرهای آب می‌گویند.

کرج

نام استان:	تهران	وسعت:	۵۸۳۰ کیلومتر مربع
ارتفاع از سطح دریا:	۱۳۶۰ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	تهران ۳۵ کیلومتر
وجه تسمیه:			

- ۱- کرج به بنا و ساختمانی که در کنار شکافی که رودخانه احداث کرده باشد می‌گویند و به علت اینکه رودخانه شکاف در زمین احداث کرده به اطراف آن کرج گفته‌اند.

کردکوی

نام استان:	مازندران	وسعت:	۵۸۳۰ کیلومتر مربع
طول جغرافیایی:	۵۱ درجه	عرض جغرافیایی:	۳۵ درجه و ۴۹ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۳۶۰ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	تهران ۳۵ کیلومتر
وجه تسمیه:			

- ۱- بعلت استقرار اکراد و سربازان کرد در این منطقه ابتدا کرد محله و سپس که توسعه یافته است به آن کردکوی گفتند.

کرگانرود

نام استان: مازندران
فاصله تا نزدیکترین نقطه: هشتپنر ۱۱ کیلومتر
وجه تسمیه:

۱- پس از قیام مختار اهالی کرکوک که در سپاه یزید در کربلا حضور داشتند از انتقام‌گیری مختار وحشت نموده و به این منطقه فرار کرده و محل اسکان آنان را کرگان و سپس به مناسبت عبور رودخانه از آن حوالی به آن کرگانرود لقب داده‌اند.

کرمان

نام استان: کرمان
وسعت: ۴۸۷۹۷ کیلومتر مربع
طول جغرافیایی: ۵۷ درجه و ۵ دقیقه عرض جغرافیایی: ۳۰ درجه و ۱۷ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا: ۱۷۵۵ متر
فاصله تا نزدیکترین نقطه: تهران ۱۰۶۴ کیلومتر
وجه تسمیه:

۱- اصل کلمه را کرمان گفته‌اند که اعراب آن را جرمان و لاتین به آن ژرمن گفته‌اند. گروهی بر این عقیده هستند که محل زندگی اولیه قوم ژرمن در این ناحیه بوده است و حتی شهداد را پایتخت آنها ذکر کردند.

۲- کرمان را منسوب به کرم هفتواد و کرم مقدس می‌دانند و کرمان به معنی محل و مأوای کرم است.

۳- بنای شهر کرمان را به کرمان بن هیتال بن ارفحشد سام بن نوح نسبت می‌دهند.

۴- بنای کرمان را به کرمان پسر فارس پسر پهلوی و نوه کیومرث نسبت می‌دهند.

۵- کرمان را محل زندگی کریمان پدر نریمان جد رستم می‌دانند لذا منسوب به وی این منطقه را کرمان نام نهادند.

۶- کرمان از دو کلمه کار + مان به معنی محل جنگ و نبرد و یا جایگاه رزمندگان و رزم‌آوران تشکیل می‌گردد.

۷- گواشیر نام دیگر کرمان است که مخفف گور اردشیر است و به معنی شهر اردشیر می‌باشد.

۸- می‌گویند به مناسبت اینکه آغا محمد خان دو هزار نفر را کور کرد این شهر را شهر کوران نام نهادند.

۹- بنای کرمان را به کرمان بن فلوج بن لطنی بن یافث بن نوح نسبت می‌دهند.

کرمانشاه

نام استان: کرمانشاه
 وسعت: ۷۶۶۶ کیلومتر مربع
 طول جغرافیایی: ۴۷ درجه و ۷ دقیقه عرض جغرافیایی: ۳۴ درجه و ۱۹ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریا: ۱۳۲۲ متر
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: تهران ۵۲۵ کیلومتر
 وجه تسمیه:

۱- بانی این شهر بهرام چهارم «۳۸۸-۳۹۹ م» پادشاه ساسانی است که مدت‌ها شاه کرمان بوده است و لقب کرمان شاه داشته است می‌دانند به همین لحاظ به آن کرمانشاه گفته‌اند.

کلات

نام استان: خراسان
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: مشهد ۱۲۰ کیلومتر
 وجه تسمیه:

۱- هر شهر و حصاری که بر بالای کوه و پشته بلند ساخته باشند کلات باکرات گویند و کلات نادر را ناردشاه افشار آبادان ساخته و عمارتی بنام خورشید به فرمان وی در آنجا بنا شده که اکنون مشرف بر خرابی است.

کنار پیر

نام استان: خوزستان
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: شوشتر ۱۵ کیلومتر
 وجه تسمیه:

۱- کنار همان سدر است و به علت وجود درختان تنومند کنار گهنسال به این نام خوانده می‌شود.

کندوان

نام استان: آذربایجان شرقی
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: تبریز ۵۲ کیلومتر
 وجه تسمیه:

۱- کند به معنی ده و اووان به معنی سنگ است لذا به آن ده سنگی گفته‌اند.

کنگ

فاصله تا نزدیکترین نقطه: بندر عباس ۲۶۵ کیلومتر

نام استان: هرمزگان

وجه تسمیه:

۱- کنگ عمارت عالی و باشکوه را گویند و چون در زمان قدیم در مابین بنادر خلیج فارس دارای عمارات بهتر و مطلوبتر بوده است به این نام معروف شده است.

کنگاور

نام استان:	کرمانشاه	نام قدیم:	قصرالصوص
طول جغرافیایی:	۴۷ درجه و ۵۷ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۴ درجه و ۳۰ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۴۶۷ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	کرمانشاه ۹۶ کیلومتر
وسعت:	۵۹۶ کیلومتر مربع		
وجه تسمیه:			

۱- کنگ در زبان فارسی عمارت عالی و باشکوه است و کنگاور یعنی به خوبی مانند کنگ است.

۲- پس از ورود سپاهیان اعراب در کنار عمارات کنگور این سپاهیان مورد دستبرد و دزیده شدن اسبهای خود قرار گرفته‌اند لذا به آن قصرالصوص یا قصر دزدان گفته‌اند.

کوشک دشت

فاصله تا نزدیکترین نقطه: تهران ۲۱ کیلومتر

نام استان: تهران

وجه تسمیه:

۱- همان لواسان کوچک است که به دلیل قرار گرفتن کوشک خلیفه و کوشک علی کامه به این نام

معروف شده است.

کوچصفهان

نام استان: گیلان

نام قدیم:

فاصله تا نزدیکترین نقطه: رشت ۲۰ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱- اردشیریه در سفر شاه عباس به گیلان به علت زیبایی و سرسبزی کوچک اصفهان لقب گرفت و به مرور

زمان به کوچصفهان تغییر نام داد.

کوهبنان

نام استان: کرمان

فاصله تا نزدیکترین نقطه: کرمان ۱۶۸ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱- به علت وجود ارتفاعات و اینکه مرز ایالت کرمان بوده است به دستور حاکم کرمان نگاهبانانی بر روی

کوه گماشته شده‌اند لذا به این محل کوه بانان یعنی نگاهبانان کوه و به مرور کوهبنان لقب داده‌اند.

۲- کوهبنان به معنی کوهستان است و تغییر یافته کلمات کونبات - کهستان - کستان - کوهستان است.

کوهپایه

نام استان: اصفهان

فاصله تا نزدیکترین نقطه: اصفهان ۲۰ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱- کوهپایه همان قهپایه عربی است که به معنی محکم و استوار می‌باشد. علت را قرار گرفتن در دامنه کوه

و حفاظ بودن شهر می‌دانند.

کهگیلویه و بویر احمد

مرکز: یاسوج

وسعت: ۱۴۲۶۱ کیلومتر مربع

وجه تسمیه:

- ۱- کهگیلویه به معنی کوه گیلو می‌باشد و بویر احمد اشتقاق از کلمه طایفه باوی و کلمه بوابمعنی پشت بام و سقف جام و یاریشه آن از کلمه مرکبى - ره - مد یعنی چشمه‌ای که در راه ماد واقع است.
- ۲- گیلویه نام یکی از مردم اصطخر است که در این منطقه ساکن شد لذا این سرزمین را به نام او خوانده‌اند.
- ۳- کوه گیلویه به معنای کوه شاهان است و یا کوهستان کیان.
- ۴- گیلویه به معنی زالزالک وحشی است و علت را وجود زالزالک فراوان در منطقه می‌دانند.

کوشه علیا

وجه تسمیه:

- ۱- کوشه مخفف کوشک است به معنی قصر و کاخ و علیا به معنی بالا و یاده می‌باشد لذا کوشه علیا یعنی قصر بالا.

که و بیگار

نام استان: کردستان

فاصله تا نزدیکترین نقطه: بانه ۱۸ کیلومتر

وجه تسمیه:

- ۱- به معنی گذرگاه کبک است و چون دارای کبک فراوان می‌باشد به این نام خوانده شده است.

کیش

نام استان:	هرمزگان	وسعت:	۹۱ کیلومتر مربع
طول جغرافیایی:	۵۴ درجه	عرض جغرافیایی:	۲۶ درجه و ۳۶ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۴۵ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	بندر عباس ۳۰۰ کیلومتر
وجه تسمیه:			

- ۱- ساکنین اولیه این جزیره از شهر باستانی کیش در بابل می‌باشند و می‌گویند تعدادی از اهالی آن شهر به این جزیره کوچ کرده و در این جزیره سکنی گزیده‌اند.
- ۲- می‌گویند پسر بیوه فقیری موسوم به قیس از شدت فقر و تنگدستی با گربه خود سوار کشتی شده به هندوستان می‌رود بدلیل وجود بیماری طاعون موش در آن دیار زیاد گشته بود لذا پسر گربه خود را بکار برده و بدین صورت خلعت و انعام می‌یافت سپس به سیراف برگشته مادر و برادران را به جزیره‌ای برد و در آنجا ساکن گردیدند لذا به نام وی آنجا را قیس گفته که به زبان فارسی کیش می‌باشد.
- ۳- بنای آنرا به قیس بن عماره نسبت می‌دهند لذا قیس گذاشته و سپس کیش شده است.
- ۴- در فارسی کیش به معنی ترکش یا جعبه تیر است و چون جزیره مخروطی شکل و شبیه ترکش می‌باشد به نام کیش خوانده می‌شود.

گاماسیاب

وجه تسمیه:

۱- گام به معنی بزرگ و مای به معنی ماهی و سی آب یعنی رودخانه بزرگ لذا نام گاماسیاب به معنای رودخانه ماهیهای بزرگ است.

گچساران

نام استان: کهگیلویه و بویر احمد
 نام قدیم: دوگنبدان
 طول جغرافیایی: ۵۰ درجه و ۴۶ دقیقه
 عرض جغرافیایی: ۳۰ درجه و ۲۶ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریا: ۷۲۰ متر
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: یاسوج ۱۳۱ کیلومتر
 وسعت: ۳۶۲۱ کیلومتر مربع
 وجه تسمیه:

- ۱- گچ که به معنای گچ است و ساران نیز پسوند تشبیه است لذا به معنی شیه گچ می باشد و علت را وجود زمینها و خاک سفید منطقه یا وجود معادن گچ در اطراف شهر می باشد.
- ۲- دوگنبدان به معنی دوبنای مرتفع می باشد و علت را وجود دو تپه و یا کوه در اطراف این شهر می دانند.
- ۳- از دو کلمه گچ و ساران یا همان گچسا تشکیل شده است که به معنی گچ خیز یا محلی که به رنگ و شیه گچ و سفید است و این به علت رنگ خاک محل فوق می باشد.

گچسر

نام استان: تهران
 نام قدیم: کرج ۶۵ کیلومتر
 طول جغرافیایی: ۵۱ درجه و ۱۹ دقیقه
 عرض جغرافیایی: ۳۶ درجه و ۶ دقیقه
 وجه تسمیه:

- ۱- از دو جزء گچ و سر تشکیل یافته است که سر به معنی رأس و دماغه و کوه است و چون در این محل معدن گچ فراوان است به آن گچ سر یا کوه گچ گفته اند.

گرگان

نام استان:	مازندران	نام قدیم:	استرآباد
طول جغرافیایی:	۵۴ درجه و ۲۶ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۶ درجه و ۵۰ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۶۰ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	ساری ۱۳۷ کیلومتر
وسعت:	۲۸۸۵ کیلومتر مربع		
وجه تسمیه:			

۱- استر به معنی قاطر و چهارپا است و می‌گویند محل قرق اسب و استر گرگین میلاد حاکم مازندران بوده است لذا به آن استرآباد لقب داده‌اند.

۲- استر به معنی ستاره است و مربوط به دورانی است که ستارگان مورد توجه قرار می‌گرفتند و لذا در این مکان رصدی وجود داشته که به نام ستارگان، ستاره‌آباد معروف بوده است.

۳- بنای شهر را به گرگین میلاد نسبت داده‌اند لذا به آن گرگان گفته‌اند که گرگان از گرگین گرفته شده است.

۴- بنای شهر را به استر زن خشیار شاه نسبت می‌دهند لذا به آن استرآباد گفته‌اند.

۵- نام آن شهر را به یونانی زادراکار تا گفته‌اند که از دو واژه زادرا و کارتا ترکیب شده است زادرا مصحف ساترا یعنی ستاره و کارتا به معنی آباد است.

۶- هیرگان از ویرگان تعریف شده است و ویرگانا در فرس قدیم به معنی گرگ است و می‌گویند در اوایل سلطنت سلاطین کیان چون اهالی هیرگانی تابع سلطنت کیان بودند از سلاطین مازندران تمکین نمی‌نمودند بنابراین اهالی مازندران از روی استخفاف آنها را گرگان گفته و شهر گرگان به همین مناسبت نام یافته است.

گیلان غرب

نام استان:	کرمانشاه	وسعت:	۱۸۲۷ کیلومتر مربع
طول جغرافیایی:	۴۵ درجه و ۵۵ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۴ درجه و ۸ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۸۱۰ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	کرمانشاه ۱۵۳ کیلومتر
وجه تسمیه:			

۱- داشتن آب و هوای شبیه گیلان همراه با سرسبزی و خرمی منطقه و به واسطه واقع شدن در غرب کشور به گیلان غرب معروف شده است.

گرمسار

نام استان:	سمنان	نام قدیم:	خوار - قشلاق
طول جغرافیایی:	۵۲ درجه و ۱۸ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۵ درجه و ۱۳ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۸۴۶ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	سمنان ۱۱۸ کیلومتر
وسعت:	۸۶۹۹ کیلومتر مربع		
وجه تسمیه:			

۱ - به معنی محلی با هوای گرم است. نام قدیم آن قشلاق است که به معنی گرمسیر می‌باشد.

۲ - در گذشته دور به آن خوار گفته می‌شده است که خوار به معنی درخشیدن و از نامهای خورشید و ماه است و به علت وجود گرمای مناطق کویری و حاشیه آن به معنی درخشندگی است و گرمای زیاد، نام امروزه گرمسار نیز همان معنی قدیم را تداعی می‌کند.

۳ - خوار به معنی سرزمین خورشید درخشان و یا ماه تابان نام نهاده شده است و اسم فعلی گرمسار نیز تا اندازه‌ای با این معنی و مفهوم مطابقت دارد زیرا هوای رقیق بدون رطوبت در شب باعث درخشندگی نور ماه و وجود ستارگان و در روز درخشندگی خاص آفتاب است لذا به آن خوار گفته‌اند.

گلپایگان

نام استان:	اصفهان	وسعت:	۱۵۹۹ کیلومتر مربع
طول جغرافیایی:	۵۰ درجه و ۴۷ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۳ درجه و ۲۷ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۸۳۰ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	اصفهان ۱۹۰ کیلومتر
وجه تسمیه:			

۱ - گلپایگان را در اصل ورد پایگان گفته‌اند که ورد گل سرخ و پات به معنی نگهبان است و به خاطر وجود باغات گل در منطقه به این نام معروف شده است.

۲ - بنای این شهر را به همای دختر بهمن نسبت می‌دهند شهر بنا شده را سفره نام گذاشته و بعدها دختری به نام گلپای آن را مرمت کرده لذا به آن گلپایگان نام داده‌اند.

۳ - اصل کلمه را ورتپا تگان به معنی شهر یا سرزمین ورتپات بوده که یکی از اسامی ایرانیان است و به تدریج ورتپات تبدیل به وردپات و وردپاذ و گردپاز و گلپاد و سرانجام گلپای شده است و گان دیگر به معنی مکان است.

گلستان کوه

نام استان: اصفهان

فاصله تا نزدیکترین نقطه: خوانسار ۸ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱ - به علت وجود گلستانهای فراوان و گلهای قرمز لاله گون «لاله سرنگون» به این نام خوانده شده است.

گمیشان

نام استان: مازندران

فاصله تا نزدیکترین نقطه: بندر ترکمن ۱۸ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱ - به علت وجود گاومیشهای زیاد در منطقه به آن گاومیش و سپس به صورت مخفف گمیش و به علت وجود تپه‌های زیاد به آن گمیش تپه گفته‌اند.

۲ - چون در تپه‌های این محل ترکمانان سکه‌های نقره‌ای پیدا می‌کرده‌اند لذا آن را گمیش تپه یعنی تپه نقره‌ای نام داده‌اند.

۳ - می‌گویند روزی پسر پادشاه خزر از دریا بیرون آمده و اتفاقاً بر روی تپه‌ای گاومیش زیبایی را دیده و تصمیم به گرفتن آن می‌کند ولی گاومیش از دست وی فرار می‌کند پسر پادشاه تصمیم می‌گیرد که برای گرفتن این گاومیش دام بگستراند با عدم موفقیت در این کار از پدر خود کمک می‌خواهد و بنا به دستور وی دریا بالا آمده و تپه را فرا می‌گیرد و مقدار تخم درختان جنگلی بر تپه می‌ریزد. تپه از درختان زیبا و سبز پوشیده می‌شود و علف نرم و با طراوتی بر زمین می‌روید با این حیله گاومیش به چنگ پسر پادشاه خزر در می‌آید و وی را کشته و پاره پاره کرده و در این محل دفن می‌کنند پس از این ماجرا گروهی از طایفه کاسین‌ها در آنجا اقامت کرده و شهر گاومیش تپه را بنا می‌کنند.

گوراب

نام استان: گیلان

وجه تسمیه:

۱ - گوراب در لغت به معنی شهرک و روستای مرکزی و پای ارک است و به مناطقی اطلاق می‌شده است که تختگاه فرمانروا و معرن آب باشد به مانند گوراب ملایر و گوراب زر میخ و غیره در گیلان.

گناباد

نام استان: خراسان
 طول جغرافیایی: ۵۸ درجه و ۴۱ دقیقه
 عرض جغرافیایی: ۳۴ درجه و ۲۱ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریا: ۱۱۰۵ متر
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: مشهد ۲۸۴ کیلومتر
 وسعت: ۹۷۱۵ کیلومتر مربع
 وجه تسمیه:

- ۱- بنای شهر را به گیو پسر گودرز از سرداران ایرانی در شاهنامه نسبت می دهند لذا این شهر را منسوب به وی گیو آباد نام نهاده اند که به مرور زمان به گناباد تغییر یافته است.
- ۲- گون نام گیاهی که از آن کیترا می گیرند و چون در اطراف این شهر گون فراوان است به آن گون آباد گفته اند که به تحریف به گناباد تغییر یافته است.
- ۳- علت وجود منازل گنبددار که در کویر و مناطق گرمسیری ساخته می شده است به آن گنبد آباد و سپس گناباد گفته اند.
- ۴- به آن گن آباد گفته اند گن به معنی قنات عمیق است لذا گن آباد یعنی منطقه ای که دارای قناتهای عمیق است.
- ۵- گناه آباد بوده است می گویند این محل جهت تبعید گناهکاران احداث شده است لذا به صورت مخفف گناباد نوشته اند.
- ۶- به آن گون آباد گفته اند در ترکی گون به معنی خورشید است و به علت درخشندگی خورشید به این نام معروف شده است.
- ۷- اعراب به آن جنابد گفته اند.

گنبد کاووس

نام استان: مازندران
 طول جغرافیایی: ۵۵ درجه و ۱۰ دقیقه
 عرض جغرافیایی: ۳۷ درجه و ۱۵ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریا: ۴۵ متر
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: ساری ۲۳۰ کیلومتر
 وسعت: ۱۵۶۴۳ کیلومتر مربع
 وجه تسمیه:

- ۱- به علت وجود آرامگاه قابوس بن وشمگیر به آن گنبد کاووس گفته اند.

لار

نام استان:	فارس	نام قدیم:	لاد
طول جغرافیایی:	۵۴ درجه و ۱۷ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۲۷ درجه و ۱۴ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۸۰۰ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	شیراز ۳۵۸ کیلومتر
وسعت:	۲۷۰۰۰ کیلومتر مربع		
وجه تسمیه:			

۱- لار تحریف شده لاد است. لاد به معنی قلعه و دژ است و احتمال می‌دهند که یکی از قلاع مهم منطقه پارس بوده است.

لاله چین

نام استان:	همدان	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	همدان ۲۵ کیلومتر
وجه تسمیه:			

۱- همراه با حمله مغول به ایران گروهی از اهالی این منطقه به زور و با به میل خود به چین رفته و در مراجعت صنعت سفالگری را همراه خود آورده‌اند لذا به محل استقرار آنها لعل چینی و لاله چینی یا لاله‌چینی و در نهایت لاله چین گفته‌اند.

۲- لالچین در لغت به معنی ظروف سفالی است و به علت تولید ظروف سفالین در این منطقه به این نام معروف شده است.

لاهیجان

نام استان:	گیلان	وسعت:	۱۴۲۸ کیلومتر مربع
طول جغرافیایی:	۵۰ درجه	عرض جغرافیایی:	۳۷ درجه و ۱۲ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۲ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	رشت ۴۱ کیلومتر
وجه تسمیه:			

۱- بنای شهر را به لاهج بن سام بن نوح نسبت می‌دهند لذا به آن لاهیجان گفته‌اند.

۲- لاه به معنی پارچه ابریشمی سرخ است و لاهیجان در اصل لاهیگان بوده است یعنی شهر ابریشم در زبان پهلوی نیز لاهیجان به مکان ابریشم معنی شده است لاهیگان را نیز به معنی جای ابریشم بافان گفته‌اند.

لردگان

نام استان:	چهار محال بختیاری	نام قدیم:	لردجان
طول جغرافیایی:	۵۰ درجه و ۴۵ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۲ درجه و ۲۵ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۷۰۰ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	شهر کرد ۱۷۰ کیلومتر
وجه تسمیه:			

۱- لردگان در لغت به معنی محل و مکان زندگی لرها می باشد.

لشکرک

نام استان:	تهران	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	تهران ۱۰ کیلومتر
وجه تسمیه:			

۱- لشکرک در لغت به معنی لشکرگاه و محل استقرار لشکر است.

لنجان

نام استان:	اصفهان	نام قدیم:	زرین شهر - ریز
طول جغرافیایی:	۵۱ درجه و ۲۳ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۲ درجه و ۲۳ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۷۰۰ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	اصفهان ۴۱ کیلومتر
وسعت:	۱۴۹۳ کیلومتر مربع		
وجه تسمیه:			

۱- لنج به معنی سدر و گیاه نوشته شده است و لنجان به معنی منطقه پر از گیاه است.

۲- به علت وجود کشتزارهای گندم و شالیزارهای برنج و باغهای سرسبز و خرم به آن زرین شهر گفته اند.

۳- شهر ریز کهن به علت وجود زاینده رود که به زرین رود معروف بوده است به زرین شهر تغییر نام

داده است.

لنگرود

نام استان:	گیلان	وسعت:	۱۸۸ کیلومتر مربع
طول جغرافیایی:	۵۰ درجه و ۱۰ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۲۷ درجه و ۱۱ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۲۱ - متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	رشت ۵۶ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱- لنج رود بوده است که به معنی گیاه کنار رود است لذا بعدها که ج به گک تبدیل شده به لنگرود معروف شده است.

۲- لنجرود بوده و به معنی رودخانه‌ای که محل توقف لنج‌ها و کشتی‌ها است می‌باشد.

۳- لنگرود بوده که به معنی لنگرگاه کنار رودخانه است که بعدها به طور خلاصه لنگرود شده است.

۴- می‌گویند اردوگاه تیمور لنگک در گیلان بوده است و به علت اقامت وی در این محل آنرا لنگرود گفته‌اند.

لواسان

نام استان:	تهران	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	تهران ۳۸ کیلومتر
------------	-------	--------------------------	------------------

وجه تسمیه:

۱- لواسان ترکیبی است از لو و اسان و لغت اخیر از کلمه آسدن در پهلوی به معنی برآمدن و سرزدن خورشید اشتقاق دارد و لواسان به معنی تیغه کوهی که خورشید از آن سر می‌زند.

۲- لواس به معنی روباه است به علت کثرت روباه در این منطقه بدین نام شهرت یافته است.

۳- لواسه به معنی کف دست و ناو است و این بخش را ناو شکل می‌دانند لذا به آن لواسان یعنی گود گفته‌اند.

ماربین

نام استان: اصفهان

وجه تسمیه:

۱- در نزدیکی منطقه آتشگاه اصفهان قرار دارد هنگامی که از بلای کوه آتشگاه به جلگه نگاه کنیم رودخانه زاینده رود را مانند ماری با پیچ و خم فراوان می بینیم به همین جهت آنجا را ماربین گفته اند.

ماسوله

نام استان:

گیلان

ارتفاع از سطح دریا: ۱۰۵۰ متر

فاصله تا نزدیکترین نقطه: فومن ۳۶ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱- چون مختار به خونخواهی قاتلان امام حسین (ع) شتافت گروهی از ساکنان موصل و کرکوک فرار کرده و اهالی موصل به این محل آمده و لذا به محل اسکان آنان موصله و سپس ماسوله گفته اند.

۲- منطقه فوق محل اجتماع طرفداران سالوک معلم بوده است لذا کلمه ماسوله را ترکیبی از کلمه سالوک معلم می دانند

۳- در زبان پهلوی باستان ماه و س

وله بوده که ماه به معنی ماه و سوله به معنی کوچک و به معنی سرزمین ماه کوچک است.

ماکو

نام استان:

آذربایجان غربی

وسعت:

۷۰۲۰ کیلومتر مربع

طول جغرافیایی:

۴۴ درجه و ۳۰ دقیقه

عرض جغرافیایی:

۳۹ درجه و ۱۸ دقیقه

ارتفاع از سطح دریا: ۱۶۳۴ متر

فاصله تا نزدیکترین نقطه: ارومیه ۲۸۴ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱- به علت وجود دو کوه عظیم اطراف ماکو و به این علت که مردم این منطقه در شبها اکثراً ماه را نمی دیدند و سراغ ماه را از یکدیگر می گرفتند و اصطلاحاً می گفتند ماه کو و به مرور زمان به ماکو تغییر داده شده است.

ماهان

نام استان: کرمان
فاصله تا نزدیکترین نقطه: کرمان ۴۲ کیلومتر
وجه تسمیه:

- ۱- بنای ماهان را به یکی از شاهزادگان سلسله ماد به نام ماهان داده‌اند.
- ۲- از بناهای ماهان بن کاکلی سردار عرب است لذا به نام وی ماهان نامیده شده است.
- ۳- به علت زیبایی منطقه و بیلاقی بودن آن به ماه تشبیه شده است لذا به آن ماهان گفته‌اند.

ماهشهر

نام استان: خوزستان
طول جغرافیایی: ۴۹ درجه و ۱۳ دقیقه
عرض جغرافیایی: ۳۰ درجه و ۳۳ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا: ۳ متر
مساحت: ۷۲۸۵ کیلومتر مربع
وجه تسمیه:

- ۱- معشور از کلمه عشر به معنی گمرک گرفته شده است.
- ۲- در سال ۱۳۴۴ معشور به ماه شهر تغییر نام داده است.
- ۳- علت نامگذاری می‌گویند این شهر به مانند ماه زیباست لذا به آن ماه شهر می‌گویند.

ماهیدشت

نام استان: کرمانشاه
فاصله تا نزدیکترین نقطه: کرمانشاه ۲۵ کیلومتر
وجه تسمیه:

- ۱- می‌گویند این دشت قبلاً بصورت دریایی بوده که تعداد زیادی ماهی از آن صید می‌شده است و با عقب‌نشینی آب دشت فوق از زیر آب خارج شده و به ماهیدشت معروف گشته است.

محلات

نام استان:	مرکزی	وسعت:	۲۱۳۳ کیلومتر مربع
طول جغرافیایی:	۵۰ درجه و ۳۰ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۳ درجه و ۵۳ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۷۸۰ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	اراک ۱۱۵ کیلومتر
وجه تسمیه:			

۱- در تواریخ آمده است که دو روستا به نامهای و هرکان علیا و سفلی وجود داشته که در میانه آن آتشکده مهر جشسف قرار داشته است که هم اکنون حسینیه آقاخان بجای آن ساخته شده است از پیوستن این دو محله شهر محلات ایجاد شده است.

مراغه

نام استان:	آذربایجان شرقی	نام قدیم:	افرازه رود
طول جغرافیایی:	۴۶ درجه و ۱۶ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۷ درجه و ۲۴ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۴۵۰ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	تبریز ۱۳۲ کیلومتر
وسعت:	۵۳۸۸ کیلومتر مربع		
وجه تسمیه:			

۱- مراغه از مراغم گرفته شده است و علت را وجود غروبهای غم انگیز می دانند که هر تازه واردی آنرا حس می کند لذا به این نام شهرت یافته است.

۲- مراغه را از کلمه مراوا یا ماراوا گرفته اند و از این جهت می توان آنجا را جایگاه ماد دانست و قدمت این شهر را به دوره ماد نسبت داده اند.

۳- مراغه را از شهرهای احداث شده توسط ماراغا اسقف نسطوری دانسته اند لذا به نام وی محل را مراغه نام گذاشته اند.

۴- مراغه را اشتقاق از کلمه مرغ دانسته اند که در زبان عربی به معنی چراگاه است و چون چراگاه اسبان ماد بوده است به این نام خوانده شده است.

۵- مراغه به معنی به خاک غلتیدن و موضعی که چهارپایان در آنجا به خاک می غلتند را مراغه می گویند. می گویند که مراغه محل بخاک غلتیدن چهارپایان مروان بن محمد والی ارمنستان بوده است.

مرند

نام استان:	آذربایجان شرقی	وسعت:	۴۶۴۰ کیلومتر مربع
طول جغرافیایی:	۴۵ درجه و ۴۶ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۸ درجه و ۲۶ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۳۳۴ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	تبریز ۶۸ کیلومتر

وجه تسمیه:

- ۱- مرند را تغییر یافته نامهای باستانی ماندآگارانا و یا موروندا که شهرهای دایر در منطقه بوده است می‌دانند.
- ۲- مرند را در لغت ارمنی به معنی دفن یا دینه می‌دانند و لذا می‌گویند محل دفن حضرت نوح (ع) است.
- ۳- بنای شهر رابه دختری ارمنی به نام ماریا نسبت داده‌اند لذا شهر را ماریا و سپس و آنگاه مرند نام گذاشته‌اند.

مروودشت

نام استان:	فارس	وسعت:	۶۱۵۵ کیلومتر مربع
طول جغرافیایی:	۵۲ درجه و ۵۰ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۸ درجه و ۲۶ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۵۹۵ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	شیراز ۵۷ کیلومتر

وجه تسمیه:

- ۱- مرو به معنی چمن است که در اصل به صورت مرغ بوده و مرغزار همان مروودشت است که محلی است پوشیده از مرتع و چمن.

مریوان

نام استان:	کردستان	نام قدیم:	شاه آباد
طول جغرافیایی:	۴۶ درجه و ۱۰ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۵ درجه و ۳۳ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۳۲۰ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	سندج ۱۲۶ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱- به علت فراوانی مار در منطقه معروف به ماریوان بوده که به مرور زمان به مریوان تغییر نام داده شده است.

۲- گروهی اعتقاد دارند که مریوان تغییر یافته کلمه ریوند است به معنی دارنده جلال و شکوه و علت را وجود ارتفاعات و زیبایی منطقه گفته‌اند لذا منسوب به ریوند به آن مریوان گفته‌اند.

۳- به دستور ناصرالدین شاه قاجار در سال ۱۲۸۲ هجری قلعهای در این منطقه ایجاد شده است که از سال ۱۲۸۶ به آن شاه آباد نام گذاشته‌اند.

مسجد سلیمان

نام استان:	خوزستان	وسعت:	۶۹۸۶ کیلومتر مربع
طول جغرافیایی:	۴۹ درجه و ۱۷ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۱ درجه و ۵۹ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۲۶۰ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	اهواز ۱۴۵ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱- بنابر روایات حضرت سلیمان هنگام سفر به دیوان دستور داد برای نماز گذاردن وی مسجدی احداث نمایند دیوان مسجدی را از سنگ بر بالای بلندی احداث کردند و سلیمان آنگاه در این مسجد نماز گذارد و به آن گفتند مسجد سلیمان امروزه بر بالای شهر بر روی کوه اثری باستانی وجود دارد که به سرمسجد معروف است.

مشکین شهر

نام استان:	اردبیل	نام قدیم:	خیابو
طول جغرافیایی:	۴۷ درجه و ۴۱ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۸ درجه و ۲۳ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۳۹۵ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	اردبیل ۱۰۷ کیلومتر
وسعت:	۳۴۹۰ کیلومتر مربع		
وجه تسمیه:			

۱- خیابو در زبان پهلوی به معنی سرزمین آبهای فراوان است و به علت جاری بودن نهرهای فراوان به این نام معروف شده است.

۲- نام اصلی این شهریشکین بوده که از نام خاندان حاکم در منطقه در قرن هشتم هجری مأخوذ شده است.

۳- پشکین گرجی حاکم منطقه اورامی بوده لذا این شهر را به نام وی پشگین و سپس مشکین خوانده‌اند.

مشهد

نام استان:	خراسان	نام قدیم:	سناباد - نوغان
طول جغرافیایی:	۵۹ درجه و ۳۷ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۶ درجه و ۱۶ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۹۸۵ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	تهران ۹۲۴ کیلومتر
وسعت:	۲۷۴۸۷ کیلومتر مربع		
وجه تسمیه:			

۱- اسم مکان است به معنای جای شهادت، در گذشته به آن مشهدالرضا (ع) گفته می‌شده است یعنی مکان

شهادت رضا (ع) که بعدها به صورت مختصر مشهد نام گذاشته شده است. علت را شهادت حضرت ثامن

الائم (ع) در این منطقه و دفن وی در این مکان است.

مغان

نام استان:	اردبیل	وسعت:	۵۴۸۴ کیلومتر مربع
طول جغرافیایی:	۴۸ درجه و ۳ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۹ درجه و ۱ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۱۰۰ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	اردبیل ۱۲۲ کیلومتر
وجه تسمیه:			

۱- قبیله مغان اولین قبیله‌ای است که به زرتشت گرائیدند همه ساله مغان دین زرتشت در این دشت جهت مذاکرات و انجام مراسم مذهبی گرد می‌آمدند لذا به این محل دشت مغان و به مرکزیت آن شهر مغان نام دادند.

ملایر

نام استان:	همدان	نام قدیم:	دولت آباد
طول جغرافیایی:	۴۸ درجه و ۴۹ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۴ درجه و ۱۷ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۷۵۰ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	همدان ۸۶ کیلومتر
وسعت:	۳۲۶۳ کیلومتر مربع		
وجه تسمیه:			

۱- ترکیبی است از دو واژه مال + آیر که مال در زبان لری به معنی خانه و آیر نیز به معنی آتش است و در مجموع معنای سرزمین آتش است و علت را جود آتشگاهی از ازمه قدیم می‌دانند.

۲- ملایر ترکیبی است از دو کلمه مال و آیر که مال به معنی خانه و آیر تحریفی است از کلمه آریا لذا به معنی خانه و سرزمین آریائیان می‌باشد.

۳- شاهزاده دولت فرزند فتحعلیشاه قاجار اقدام به احداث شهری در این محل نمود که بعدها در زمان برادرش علی میرزا ملقب به شیخ الملوک توسعه یافت لذا به نام شاهزاده دولت این شهر را دولت آباد نامیدند.

۴- در دوره مادها در این منطقه با روشن کردن آتش بر روی تپه‌ها و کوهها اخبار را به سایر مناطق می‌رساندند و از این رو این منطقه را مل آگر به معنی تپه آتش یا تپه‌های آتش می‌نامیدند و به مرور زمان به صورت ملایر تغییر شکل داده است.

مند

نام استان: بوشهر

وجه تسمیه:

- ۱- نام مند از رودخانه مند گرفته می‌شود. مند را مخفف ماند یا مانه گفته‌اند و علت را اینگونه بیان نموده‌اند که این رودخانه به علت اینکه در زمین هموار و کم شیب جاری است لذا به نظر می‌رسد که آب رودخانه از حرکت باز ایستاده است یعنی مانده است.
- ۲- رودخانه مند و زمینهای اطراف از نظر کشاورزی ارزش قابل ملاحظه‌ای ندارند لذا به نام ماندستان نامیده شده که بعدها به صورت مخفف مند گفته‌اند.

منیریه

نام استان: تهران

فاصله تا نزدیکترین نقطه: از مناطق شهر تهران است

وجه تسمیه:

- ۱- آبادی منطقه را به منیر السلطنه مادر کامران میرزا پسر ناصرالدین شاه نسبت می‌دهند لذا منسوب به وی منیریه نام دادند.

مهاباد

نام استان:

آذربایجان غربی

نام قدیم:

ساوجبلاغ مگری

طول جغرافیایی:

۴۵ درجه و ۴۳ دقیقه

عرض جغرافیایی:

۳۶ درجه و ۴۶ دقیقه

ارتفاع از سطح دریا: ۱۳۴۰ متر

فاصله تا نزدیکترین نقطه: ارومیه ۱۳۷ کیلومتر

وسعت:

۵۶۰۰ کیلومتر مربع

وجه تسمیه:

- ۱- ساوجبلاغ به معنی چشمه‌های سرد است و به علت اینکه آبادانی بدست حیدرخان عسکری بوده است به نام وی ساوجبلاغ مگری نامگذاری شده است.
- ۲- مه + آباد به معنی شهر بزرگ یا آبادی بزرگ است.

مهران

نام استان:	ایلام	نام قدیم:	منصور آباد
طول جغرافیایی:	۴۶ درجه و ۱۰ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۳ درجه و ۷ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۵۵ متر	فاصله تانزدیکترین نقطه:	ایلام ۱۰۰ کیلومتر
وسعت:	۴۰۲۹ کیلومتر مربع		
وجه تسمیه:			

۱- مهران از دو بخش مه + ران به معنی جای بزرگ یا آبادی بزرگ است زیرا مه به معنی بزرگ و ران نیز پسوند مکان است.

۲- بنای این شهر را به خاندان بزرگ مهران نسبت می‌دهند این خاندان که در نزدیکی ری در روستای مهران «سه‌راه ضرابخانه» امروزه ساکن بودند بعدها در نزدیکی تیسفون نیز بنای شهری را ریخته و این شهر را آباد کرده‌اند از این خاندان به بهرام چوبین - شاپور رازی و سیاوخش بن مهران مرزبان ری در زمان حمله اعراب می‌توان اشاره نمود.

مهرجرد

نام استان:	یزد	فاصله تانزدیکترین نقطه:	یزد ۵۰ کیلومتر
وجه تسمیه:			

۱- بنای مهرجرد را به مهرنگار دختر انوشیروان نسبت داده‌اند این شهر در ابتدا مهرگرد نام گرفت و به مرور زمان به مهری جرد تبدیل شده است.

مهریز

نام استان: یزد
 وسعت: ۱۲۸۸۳ کیلومتر مربع
 طول جغرافیایی: ۵۴ درجه و ۲۷ دقیقه
 عرض جغرافیایی: ۳۱ درجه و ۳۵ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریا: ۱۴۸۰ متر
 فاصله تانزدیکترین نقطه: یزد ۳۰ کیلومتر
 وجه تسمیه:

- ۱- مهریز را مخفف مهریزد می‌دانند و می‌گویند این شهر از شهرهای مقدس زرتشتیان بوده لذا به آن مهریزد گفته‌اند که به صورت مخفف مهریز گشته است.
- ۲- از دو قسمت مه + ریز تشکیل یافته است مه به معنی بزرگ و ریز نیز به معنی ریزش است و به علت آب و هوای خوب و نعمات بسیار به آن می‌گویند.

مهنه

نام استان: خراسان
 فاصله تانزدیکترین نقطه: تربت حیدریه ۴۸ کیلومتر
 وجه تسمیه:

- ۱- مهنه از دو قسمت مه + نه تشکیل می‌شود مه به معنی بزرگ و نه به معنی شهر است و به معنی شهر بزرگ است.

میان‌دوآب

نام استان: آذربایجان غربی
 وسعت: ۵۰۱۰ کیلومتر مربع
 طول جغرافیایی: ۴۶ درجه و ۶ دقیقه
 عرض جغرافیایی: ۳۶ درجه و ۵۸ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریا: ۱۳۱۴ متر
 فاصله تانزدیکترین نقطه: ارومیه ۱۵۷ کیلومتر
 وجه تسمیه:

- ۱- به علت قرار گرفتن این شهر در میان دو رود پرآب سیمینه‌رود و زرینه‌رود به این نام خوانده می‌شود.

میانه

نام استان:	آذربایجان شرقی	نام قدیم:	گرمرو
طول جغرافیایی:	۴۷ درجه و ۴۲ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۷ درجه و ۲۰ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۱۰۰ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	تبریز ۱۶۴ کیلومتر
وسعت:	۶۱۵۶ کیلومتر مربع		
وجه تسمیه:			

۱- به علت قرار گرفتن این شهر در بین شهرهای زنجان و اردبیل به این نام معروف شده است.

میبد

نام استان:	یزد	ارتفاع از سطح دریا:	۱۰۹۰ متر
طول جغرافیایی:	۵۴ درجه	عرض جغرافیایی:	۳۲ درجه و ۱۳ دقیقه
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	یزد ۴۶ کیلومتر		
وجه تسمیه:			

۱- بنای این شهر را به میبدار از سرهنگان یزدگرد داده‌اند لذا منسوب به وی آنجا را میبد نام نهاده‌اند.

۲- روایت است که شاه موید فرزند قباد بر اثر بیماری و بنا به درخواست پزشکی هندی از شهر بیرون برده شده بود و در این منطقه چون بیماری وی کاهش یافت و حال وی رو به بهبودی گرائید به دستور قباد شهری احداث کردند نام آنرا مویدگرد گذاشتند که به مرور زمان به میبد تغییر نام داده است.

میگون

نام استان:	تهران	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	تهران ۳۵ کیلومتر
وجه تسمیه:			

۱- میگون تغییر یافته کلمات میگان - میغان و مغگان است که به معنی مکان و محل مغان است.

۲- علت نامگذاری مغگان را تجمع مغان منطقه قصران در این نقطه می‌دانند.